



بررسی مفهوم شناختی تربیت اخلاقی

محمود کاظمی^۱

بهرام بهرامی^۲

چکیده:

تربیت اخلاقی از دیرباز مورد توجه فیلسوفان، معلمان و والدین قرار داشته است. جوامع مختلف نهادها و موسسات اجتماعی نیز در طول اعصار به صورت های گوناگون به این مهم توجه خاصی مبذول داشته اند. تربیت اخلاقی، بدون تردید از مهم ترین وظایف تعلیم و تربیت در هر جامعه است و هدف آن پرورش شهروندانی است که علاوه بر برخورداری از هوش و ذکاوت، افرادی با فضیلت، خیر و نیکوکار بار آیند. از سویی برخی از صاحب نظران تعلیم و تربیت اصولاً تعلیم و تربیت را اقدامی اخلاقی دانسته و رسالت اخلاقی تعلیم و تربیت را ایجاد شرایط مناسب آموزشی و پرورشی جهت بهزیستی نسل های آینده می دانند. امروزه بین دو حوزه تربیت و اخلاق فرق هایی مطرح شده است تا آن جا که صاحب نظران علوم تربیتی و حوزه اخلاق آن دو حوزه را دو علم مستقل می دانند، گر چه سابقاً و در یک جا مورد استعمال و بحث قرار می گرفت. گروهی به علم الاخلاق و فلسفه اخلاق روی آورده و جمع دیگری به مباحث علوم تربیتی اشتغال و علاقه دارند. شیوه ها و روش های تربیت اخلاقی، نکته ای است که هنوز از دیدگاه مربیان و دانشمندان علوم اجتماعی مناقشه برانگیز است و اجماع نظر قطعی در مورد آن حاصل نشده و این بیشتر به خاطر ظرافت و حساسیت امر آموزش در زمینه های اخلاقی و ارزشی است. لذا با التفات به نکات فوق، هدف اساسی مقاله حاضر پرداختن به مفهوم شناختی تحلیلی فرایند تربیت اخلاقی از ابعاد و زوایای مختلف می باشد. براین اساس روش پژوهش در این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه ای انجام شد.

کلید واژگان: تربیت؛ اخلاق؛ تربیت اخلاقی.

^۱ - عضو هیئت علمی دانشگاه زنجان - Email: mdkazemy@yahoo.com

^۲ - عضو هیئت علمی دانشگاه زنجان - Email: bahram.bahrami40@yahoo.com



مقدمه:

در هم تنیدگی فرایند تربیت و اخلاق موجب شد که مرز مشخصی در گذشته میان این دو تصویر نشود و فرایند تربیت با اخلاق همسان پنداشته شوند و اخلاقی بودن به مثابه تربیت یافتگی انگاشته شود چنان که غزالی در این زمینه می گوید: معنی تربیت این است که مربی، اخلاق بد را از آدمی باز ستاند و به دور اندازد و اخلاق نیکو جای آن بنهد (غزالی، ۱۳۷۹، ج ۳، صص: ۵۲-۵۳).

خواجه نصیر الدین طوسی نیز معتقد است: تربیت صنعتی است که از طریق آن مدارج عالیه انسانی فراهم می آید و پست ترین مراتب انسانی به کامل ترین رتبه خود می رسند (خواجه طوسی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۷).

از سوی دیگر، جالب است بدانیم بسیاری از صاحب نظران تعلیم و تربیت اسلامی کمتر واژه تربیت را به کار برده اند و به جای آن از واژگان تعلیم، تربیت، تهذیب، تزکیه، تخلق به اخلاق، تأدیب، ریاضت، تدبیر سیاست و ... بهره برده اند و این بدان جهت است که واژگان تربیت به معنای آموزش و پرورش متربی و به معنای برانگیختن و فراهم آوردن موجبات شکوفایی و رشد تمامی توانایی و شئون وجودی آدمی، در گذشته اصلاً مصطلح نبوده و یا اخلاق و تربیت را آن چنان درهم تنیده می دانستند که تربیت بدون اخلاق را غیر قابل تحقق می دانستند و با این که باور داشتند تربیت بدون پرتو افکنی اخلاق امری ناصواب و بی سرانجام است.

اما امروزه، جدا انگاری فرایند اخلاق و تربیت تردید ناپذیر است. حال برای تبیین بیشتر تفاوت های این دو فرایند و رابطه آنها، حوزه و قلمرو این دو فرایند را بررسی می کنیم.

مفهوم تربیت و فعل تربیتی:

تربیت از ریشه ربو گرفته شده است، و از باب تفعیل است. در این ریشه، معنای زیادت و فزونی لحاظ شده است؛ بنابراین، واژه تربیت با توجه به ریشه آن، به معنای فراهم کردن زمینه فزونی پرورش است. معادل آن (*Education*) دارای دو ریشه است به این شرح: (*Educare*) که به معنای «تغذیه» یا خوراک دادن است و (*Educere*) که به معنای «بیرون کشیدن»، «رهنمون به» و «پروراندن» است. بدین ترتیب، ریشه دو واژه (*Education*) و «تربیت» معنایی کمابیش یکسان دارند.

از تاریخچه معانی این دو واژه و تطور مفهومی آنها که بگذریم، اکنون *Education* دارای چهار معنای عمده است. برخی از این معانی، در زبان فارسی کاربرد نداشته است، اما به تبع ترجمه کتابها، در زبان فارسی کاربرد پیدا کرده است و بار معنای تازه ای بر آن افزوده شده است.

این چهار معنای عمده عبارتند از:

- ۱ - تربیت به معنی مؤسسه و نهاد آموزشی؛
- ۲ - تربیت به معنای محتوا و برنامه آموزشی؛
- ۳ - تربیت به معنای عمل و جریانی که در حیات انسانی به چشم می خورد؛
- ۴ - تربیت به معنای محصول و نتیجه تربیت.



تربیت به معنای سوم، فرایندی پیچیده دارد و دارای جنبه های گوناگونی است. در واقع، معانی دیگر به یکی از این جنبه ها اشاره دارد. بدین سبب، این معنای تربیت بیشتر محل نقد و نظر بوده است. فلاسفه و متفکران زیادی در تاریخ اندیشه در این باره به طور صریح یا ضمنی اظهار نظر کرده اند؛ بویژه با ورود علوم تربیتی به دانشگاهها، اظهار نظرها درباره مفهوم تربیت رو به فزونی گذاشت. کتابهای زیادی برای تدریس در دانشگاهها تدوین و تالیف گردید که عمدتاً با بحث درباره «مفهوم تربیت» آغاز می شود. شیوه معمول مؤلفان چنین است که تعریف صاحب نظران را درباره تربیت بیان کنند. آنگاه با نقد و بررسی آن، تعریفی که با بینشهای از پیش ساخته و پرداخته مؤلف، هماهنگی دارد، مطرح و ابرام می گردد. شیوه دیگری که مؤلفان و عالمان، برای تفسیر تربیت در پیش گرفته اند این است که تربیت را مجموعه اعمالی در نظر می گیرند این است که تربیت را مجموعه اعمالی در نظر می گیرند و با نظر به عناصر موجود در آنها و انواع مناسبات و تعاملهای بین عناصر، تلاش می کنند آنها را تبیین کنند (نوذری، ۱۳۷۴، ص ۲۷).

این رویکرد تا کنون موفق شده است که بعضی از مناسبات و روابط بین عناصر را - که گریزی از پذیرش آنها نیست - نشان دهد، و مهمترین مشخصه آن این است که محتوای هیچ مکتب خاصی را همراه ندارد.

بطور کلی، تربیت فرایندی بسیار گسترده است و گستره آن به تمامی ابعاد، توانائی ها، قابلیت ها و به همه شئون وجودی آدمی گسترانده شده و تمامی زمینه های وجود آدمی را در بر می گیرد اما فرایند اخلاق یکی از حیطه ها و ساحت های تربیت به شمار می آید. از این رو می توان گفت تربیت اقسام فراوانی دارد و از آن جمله: تربیت بدنی، تربیت عقلانی، تربیت دینی، تربیت اخلاقی، تربیت جنسی، تربیت عاطفی، تربیت عاطفی تربیت عرفانی، تربیت مدنی، تربیت اجتماعی و ... استاد مطهری در این باره می نویسد: تربیت پرورش دادن و به فعلیت رساندن تمامی استعدادها و ایجاد تعادل در هماهنگی میان آن هاست تا از این طریق مرتبی به حد اخلاقی کمال برسد (مطهری، ۱۳۷۸). و به تعبیر یکی از نویسندگان غربی، تربیت در زمینه جسم و جان و روان انسان است و تمامی زمینه های وجود او را در بر می گیرد (حجتی، ۱۳۸۳، ص ۵۳).

به گفته برخی از صاحب نظران، تعلیم و تربیت طی قرون متمادی تنها بر ملاحظات فلسفی و اخلاقی مبتنی بوده، امروزه نیز به رغم تسلط دانش بشر در زمینه های زیست شناسی، جامعه شناسی، روانشناسی و بر تعلیم و تربیت، باز این نکته آشکارتر شده که علم و دستاورد های فنی آن نه تنها کافی نیست بلکه همچنان باید ملاحظات اخلاقی و فلسفی مهم اصلی را در تعلیم و تربیت بر عهده داشت باشد زیرا بررسی اهداف و غایات تربیت نه در صلاحیت علم و نه در حد تکنیک بلکه فقط در صلاحیت فلسفه و اخلاق است (شکوهی، ۱۳۷۸، ص ۴۵).

بر این اساس می توان گفت تربیت فرایندی است که با آموزه ها و یافته ها و با علوم بسیاری از جمله: زیست شناسی، روانشناسی، روانشناسی تربیتی، روانشناسی اجتماعی، جامعه شناسی، جامعه شناسی تربیتی، دین و فلسفه، اخلاق و ... سر و کار دارد و مبانی علمی، فلسفی و دینی خود را از یافته ها و آموزه ها به دست می آورد و ملاحظات اخلاقی یکی از مبانی تربیت به شمار می آید که با توجه به آنها تربیت شکل می پذیرد بدین تربیت می توان جایگاه فرایند تربیت را در ارتباط با فرایند اخلاق به دست آورد و تفاوت این دو را واکاوید.



فرایند تربیت با تمامی رفتار آدمی در همهٔ ساحت و زمینه‌ها و با تمام اقسام و انواع آن خواه صبیحۀ ارزشی داشته باشد و یا نه ارتباط وثیق و عمیق دارد. در صورتی که فرایند اخلاق با رفتار آگاهانه‌ای که از سر علم و عمد و انتخاب و گزینش انجام می‌پذیرد و صبغه ارزشی دارد و نیز با ملکات و صفات پایداری که تکرار آن رفتار ویژه موجب پیدایش آنها شده سر و کار دارد.

مفهوم اخلاق و فعل اخلاقی:

«اخلاق» جمع «خلق» و «خلق» است و در لغت به معنای سنجیه، سرشت و صفات باطنی آمده است. علمای اخلاق نیز تعریفی قریب به همین معنای لغوی از اخلاق کرده‌اند. در نظر آنان، «خلق» سنجیه و سرشتی است که در نفس ملکه شده است و افعال بدون نیاز به فکر و تامل از او صادر می‌شود. امروزه رای غالب در تشخیص گزاره‌های اخلاقی، چنین بیان شده است: گزاره اخلاقی، گزاره‌ای است که مسندالیه آن، فعل ارادی اختیاری انسان، و مسند آن یکی از هفت مفهوم «خوب، بد، باید، نباید، ثواب، خطا و وظیفه» باشد. دانشهایی که گزاره‌های اخلاقی را مطالعه می‌کنند. چهار دسته‌اند، که به سه دسته اول، علم اخلاق اطلاق می‌شود:

۱ - علم اخلاق توصیفی^۳: علمی که گزاره‌های اخلاقی را درباره یک قوم و ملت، درباره یک مکتب اخلاقی و نظام خاص، درباره یک گروه و صنف و یا درباره یک فرد خاص توصیف می‌کند و روشی آن تجربی - نقلی است. که بر اساس سنخ مدعای تجربی بودن یا نقلی بودن، فرق دارد؛ مثلاً بیان می‌کند که ربا در اسلام حرام است، یا خودسوزی زن برای شوهر در نزد برخی از اقوام هند ممدوح است.

۲ - علم اخلاق هنجاری^۴: علمی که گزاره‌های اخلاقی را بدون انتساب به قومی یا فردی و یا مکتبی بیان می‌کند؛ مثل «دروغ بد است» یا «احسان به زیر دست خوب است».

۳ - علم پداگوژی^۵ (تعلیم و تربیت): این دانش به ارائه روشها می‌پردازد. فرض کنیم که در اخلاق هنجاری گفتیم که «دروغ بد است»؛ در این دانش بحث می‌کنیم که چگونه فرد مبتلا به دروغگویی را معالجه کنیم (کاربرد واژه پداگوژی که به معنای علم تربیت اخلاقی و به معنای اعم از تربیت اخلاقی - که حتی تربیت بدنی را هم شامل می‌شود - مربوط است به تاریخچه این واژه که در گذشته به معنای اول به کار رفته، ولی امروزه کاربرد اعم آن رایج و شایع است).

۴ - فلسفه اخلاق^۶: این دانش پیش فرضها و مبادی تصویری و تصدیقی اخلاق هنجاری را مورد نقادی و بررسی قرار می‌دهد و در واقع، پشتوانه‌ای نظری برای گزاره‌های اخلاقی فراهم می‌کند؛ برای مثال، بحث از ماهیت «خوب و بد»، «باید و نباید»، و مفاهیم دیگر که در علم اخلاق واضح و روشن تلقی می‌شوند، بر عهده این رشته از اخلاق پرسشهای عمده‌ای در علم اخلاق مطرح است و هدف علم اخلاق، پاسخ به چنین

^۳ - Descriptive morality

^۴ - Normative morality

^۵ - pedagogy

^۶ - morality Philosophy



پرسشهایی است؛ مثلاً آیا زیستن اخلاقی ممکن است؟ غایت زندگی اخلاقی چیست؟ کدام فعل، خوب و کدامیک بد است؟ آیا تغییرات اجتماعی، حکم اخلاقی را تغییر می دهد؟ اگر برنامه ای برای سیر و سلوک لازم است، این برنامه کدام است؟ (نوذری، ۱۳۷۳).

بطور کلی، عالمان اخلاق فعل اخلاقی را در برابر فعل طبیعی قرار داده اند و گفته اند فعل اخلاقی از حدود کارهای طبیعی و عادی خارج است و با آنها تفاوت دارد و کار تربیتی و فرایند تربیت علاوه بر فعل اخلاقی، فعل طبیعی و رفتار عادی را نیز زیر پوشش دارد. مقصود از فعل طبیعی آن احساس گرسنگی و خواب و استراحت را در پی خستگی و نیز فعالیت های روزمره زندگی، پیداست در این کارها آدمی با حیوان مشترک است و کارها و نیز اندیشه ها و صفات و میل های مربوطه به این منظور جلب نفع مادی و دفع زیان مادی انجام می گیرند. به عبارت دیگر ریشه این گونه افعال سودجویی مادی است و فرایند تربیت تمامی این رفتارهای عادی و طبیعی و نیز رفتار اخلاقی و صفات اندیشه های مربوط به آن مختص عالم انسانی و قابل ستایش و ستایش و نکوهش و ریشه آن فضیلت جوئی فطری است (پاپکین، ۱۳۸۵).

مفهوم شناسی تربیت اخلاقی:

پس از نگاه تحلیلی به مفهوم و معنای تربیت و اخلاق و بیان سخن اهل نظر در این زمینه اینک این سؤال ها پیش روی ماست؛ تربیت اخلاقی چیست؟ تربیت اخلاقی با فرایند تربیت و اخلاق چه تفاوتی دارد؟ آیا تربیت اخلاقی به حوزه تربیت مربوط است و یا در حیطه اخلاق جای دارد؟ تربیت اخلاقی چه مقصودی را دنبال می کند؟ پیش از آن که به این سئوالات پاسخ دهیم ذکر این نکته لازم است که تربیت اخلاقی در جهان معاصر بسیار مهم دانسته شده تا جائی که پاره ای از دانشوران تعلیم و تربیت در مغرب زمین قرن بیستم را قرن تربیت اخلاقی نامیده اند (باقری، ۱۳۸۸). در جوامع دینی و مذهبی نیز تربیت اخلاقی عامل تأثیرگذار در سعادت فردی و اجتماعی دانسته شده و هر چند این عنوان مرکب در آثار دانشمندان مسلمان نیست اما مباحث بسیاری به این فرایند اختصاص داده شده است. نظیر تغییر پذیری اخلاق، تأثیر گذاری تربیت بر اخلاق، شیوه درمان بیماری های اخلاقی، کیفیت تخلق به اخلاق حسنه روش تغییر اخلاق و ... این عناوین در آثار فارابی، ابن سینا، ابن مسکویه، غزالی، فیض کاشانی و ... موجود است. ما در اینجا فقط به یک عبارت از ابن مسکویه اکتفا می کنیم: انسان در پرتو تربیت اخلاقی از رذایل و صفات نکوهیده می رهد و به فضایل و خصلت های ستوده آراسته می گردد، فضایل با تکرار اعمال شایسته به تدریج در نفس رسوخ یافته، رو به افعال نیکو از فرد سر می زند و او از انحطاط و پستی رهایی یافته و رو به سوی تعالی می نهد (بهشتی، ۱۳۸۱). بنابر این آثار دانشوران و عالمان مسلمان در اخلاق آمیخته به تربیت اخلاقی است.

با التفات به سوالات و نکات فوق، مقصود از تربیت اخلاقی فراگیری و عمل به آداب و رسوم اجتماعی نیست زیرا آداب و رسوم غیر از اخلاق است و بدین جهت در هر کشور و در هر منطقه ای از جهان آداب و رسوم اجتماعی ویژه ای بر اساس ملاحظات نژادی، جغرافیایی، مکانی، زمانی، اقلیمی، قبیله ای، گروهی، و ... ظهور و بروز پیدا می کند که در منطقه و مکان دیگر هیچ اعتباری ندارند در صورتی که فرایند اخلاق یافته



ها و آموزه ها و مسایل ریشه دارد و بنیادین اند و با عمق جان انسان با فطرت و ساختار و جودی و با واقعیت تکوینی در ارتباط وثیق و عمیق اند.

همچنین مقصود از تربیت اخلاقی تنها به معنای به کارگیری شیوه ها و روش های تربیتی اعم از خود سازی و یا تربیت افراد نیست. زیرا در فرایند اخلاق نیز شیوه تخلق به اخلاق سخن به میان می آید اما آنچه درباره ماهیت و تعریف تربیت اخلاقی می توان گفت این است که تربیت اخلاقی یکی از اقسام تربیت است و به حوزه و قلمرو خاصی از تربیت مربوط است یکی از اقسام تربیت است و به حوزه و قلمرو خاصی از تربیت مربوط است نظیر تربیت اجتماعی، تربیت سیاسی، تربیت جنسی و ... از این رو تربیت اخلاقی در حیطه تربیت قرار دارد و از حوزه اخلاق خارج است.

اینک با توجه به نکته فوق می توان تربیت اخلاقی را این چنین تعریف کرد: برانگیختن، فراهم ساختن و بکار بستن ساز و کارهای آموزشی و پرورشی در جهت دریافت گزاره های اخلاقی و شناختن و شناساندن فضایل و رذایل و زمینه سازی برای ایجاد نگرش و روی آوردن به اخلاق حسنه و تقید و پای بندی و عینیت دادن ارزش های اخلاقی به منظور رسیدن به سعادت و کمال جاودانه تربیت اخلاقی نام دارد. بر این اساس، رسیدن به سعادت و کمال جاودانه تربیت اخلاقی نام دارد. بر این اساس، در تربیت اخلاقی تلاش می شود با بهره گیری از دانش تعلیم و تربیت و یافته های تربیت اهداف اخلاقی را عینیت بخشید.

ارکان این تعریف عبارت است از: ۱- انگیزش در جهت احساس نیاز نسبت به مسائل اخلاقی و تخلق به اخلاق حسنه. ۲- آموزش آموزه های اخلاقی و شناخت فضایل و رذایل. ۳- التزام، پای بندی و تقید به اخلاق حسنه و اعتقاد به پیراسته سازی دل و جان از اخلاق بد. ۴- توانایی در جهت عمل کردن اخلاق خوب و توانایی بر مهار خود از اخلاق بد. ۵- جهت گیری بر پایه رسیدن به سعادت و کمال جاودانه.

بنابر این دانش تعلیم و تربیت از داده ها و یافته های اخلاق بهره می گیرد و با ساز و کارهای خود نگرش و رفتار اخلاق را در افراد ایجاد می کند و در گام نخست آدمی را از خود محوری رهایی می دهد و به او رنگ خدایی می بخشد.

حال با توجه به تعریف تربیت اخلاقی، تفاوت این فرایند با اخلاق و تربیت نیز مشخص گردید زیرا فرایند تربیت بسیار گسترده است و تمامی قابلیت ها، توانایی ها و همه شئون وجودی انسان را در بر می گیرد اما تربیت اخلاقی یکی از حیطه های تربیت به شمار می آید. پیداست تربیت اخلاقی تربیت برای تخلق فرد به اخلاق حسنه است اما اخلاق فقط درباره صفات، ملکات و رفتار اخلاقی و خوبی و بدی آنها سخن می گوید. بحث و نتیجه گیری:

۱ - بین تربیت در مقام عمل، و دانش تربیت، فرق است. تربیت در مقام عمل امری است که روی فرد یا گروهی از افراد اعمال می شود یا فرد یا گروهی از افراد، آن را می پذیرند؛ اما دانش تعلیم و تربیت یک رشته علمی است که واقعیتهای تربیتی را تحقیق و بررسی می کند و امروزه مشروعیت خود را در عرصه علوم به اثبات رسانده است.

تمایز بین تربیت در مقام عمل و دانش تربیت، ما را در تعیین جایگاه شایسته ای که از انتظار پاسخ داریم، کمک می رساند. مثلا این پرسش که «تعلیم و تربیت هنر است یا فن و مهارت؟» مربوط به قلمرو تربیت در



مقام عمل است نه دانش تربیت؛ یا این پرسش که «موضوع تربیت چیست؟» مربوط به هر دو قلمرو است و با مراجعه به هر قلمرو، پاسخی متفاوت دریافت می‌کنیم. دانش تعلیم و تربیت دارای موضوع - به همان معنای مصطلح - است ولی موضوع تربیت در مقام عمل، به معنای امری است که تربیت بر آن واقع می‌شود. ۲ - دانشهایی که گزاره های اخلاقی را تحقیق و بررسی می‌کنند با دانش تربیت از ناحیه موضوع مسائل، اهداف و روشها تفاوت آشکار دارند. اما علی‌رغم تمایز آشکار بین مباحث اخلاق و مباحث تعلیم و تربیت، کتابهایی با عنوان تعلیم و تربیت اسلامی برای تدریس در دانشگاهها تالیف می‌شود که اکثر مباحث، صورت اخلاقی دارد. اگر این کتابها برای عموم مردم نوشته می‌شد شاید چندان مشکلی ایجاد نمی‌کرد. اما تدوین و تالیف این کتابها برای مجامع علمی این سؤال را در ذهن خوانندگانی که قدری با تعلیم و تربیت آشنایی دارند، ایجاد می‌کند که آیا تعلیم و تربیت اسلامی همان اخلاق اسلامی است؟ آیا اسلام پاسخهایی برای پرسشهایی که در قلمرو تعلیم و تربیت مطرح است، در اختیار ما نمی‌دهد؟ بخصوص برخی از این پرسشها به قلمرو دین مربوط است. البته ما معتزیم که پژوهش در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی چندان زیاد نیست ولی این کاستیها، مجوزی را برای طرح مباحث اخلاقی به جای مباحث تعلیم و تربیت صادر نمی‌کند.





منابع:

- بهشتی، محمد(۱۳۸۸). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۲، انتشارات سمت، تهران.
- حجتی، محمدباقر(۱۳۷۸) اسلام و تعلیم و تربیت. دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
- خواجه طوسی، نصیرالدین محمد(۱۳۸۶). گزیده اخلاق ناصری. چاپ سوم، انتشارات قدیانی، تهران.
- ریچارد پاپکین(۱۳۸۵) کلیات فلسفه . ترجمه دکتر سیدجلال الدین مجتبوی ، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- شکوهی، غلامحسین(۱۳۸۴). مبانی و اصول آموزش و پرورش، انتشارات رشد، تهران.
- غزالی، ابو حامد(۱۳۵۱). احیاء العلوم. ج ۳، ترجمه مؤید الدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیو جم-انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
- مطهری، مرتضی(۱۳۸۵) انسان کامل . انتشارات صدرا، قم .
- مظلومی، رجبعلی(۱۳۶۲). گامی در مسیر تربیت اسلامی. انتشارات آفاق و کوکب، تهران.
- نوذری، محمود(۱۳۷۵). رابطه اخلاق و تربیت. فصلنامه حوزه و دانشگاه. شماره ۵. قم.

